

تبیین و شناخت مبنای تفکر تکفیر در عقاید گروه‌های تکفیری

محمدرضا آگشته*^۱

چکیده

تکفیری عنوانی است که به گروه‌های اسلامی که از حربه تکفیر برای مقابله با مخالفان و دشمنان خود استفاده می‌کنند، اطلاق می‌شود. گروه‌های تکفیری، گروه‌هایی از مسلمانان هستند که به دلیل اعتقادشان به سیره و اندیشه سلف و استفاده از حربه تکفیر در مقابل مخالفان خود به این نام (تکفیری) نامیده می‌شوند. این گروه‌ها که از درون سلفیه بیرون آمده‌اند، امروزه به بزرگ‌ترین مشکل دنیای اسلام تبدیل شده و باعث ایجاد خسارات جبران‌ناپذیر مادی و معنوی به جهان اسلام گردیده‌اند. مقاله حاضر به دنبال بررسی مبنای تفکر تکفیر در عقاید گروه‌های تکفیری می‌باشد. این تفکر از جمله مهم‌ترین مفاهیم بنیادی گروه‌های تکفیری است که در صدر اسلام به وجود آمد و خوارج نمونه بارز آن بودند. گروه‌های تکفیری با استفاده از این مبنای فکری، مخالفان خود اعم از مسلمانان (شیعیان و اهل سنتی که با آن‌ها هم‌عقیده نیستند) و غیرمسلمانان را تکفیر نموده و علاوه بر آن از این تفکر به عنوان دستاویزی برای رسیدن به اهداف و مقاصد سیاسی خود نیز استفاده می‌کنند. هرچند در حال حاضر وهابیان از این تفکر عملاً استفاده نموده و به ترویج آن می‌پردازند، اما مبنای این تفکر اعتقادات ظاهرگرایانه عالمان اهل حدیث از جمله احمدابن حنبل و شاگرد او ابن تیمیه بوده که پیروان آن‌ها به ترویج این تفکر پرداختند و در نهایت توسط فرقه وهابیت اجرایی گردید. لذا تفکرات تکفیری که اکنون در جهان اسلام وجود دارد به نوعی نشأت گرفته از افکار و نظریات ابن تیمیه است.

واژه‌های کلیدی:

تکفیر، سلفی‌گری، وهابیت، ابن تیمیه، ظاهرگرایی، جهان اسلام.

^۱ کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا

* نویسنده مسئول:

مقدمه

تاریخ اسلام از ابتدا تاکنون شاهد فراز و نشیب‌های زیاد و مشکلات متعددی برای مسلمانان بوده و تهدیدهای جدی برای جهان اسلام همیشه وجود داشته است. از جمله این تهدیدها، معاندین و دشمنان اسلام هستند که همواره به دنبال تمرکززدایی در حکومت اسلامی و ایجاد تفرقه و شکاف بین مسلمانان بوده‌اند. در این راستا ایجاد فرقه‌های مختلف در دین اسلام و استفاده از افرادی که برداشت‌های ظاهری از دین اسلام دارند از شگردها و روش‌های مهم دشمنان بوده است. از فرقه‌های انحرافی ساخته دست استعمار می‌توان به دو فرقه ضاله وهابیت و بهائیت اشاره کرد که در پیاده کردن اهداف آنان نقش محوری داشته‌اند. در حال حاضر هم وهابیت برخاسته از تفکرات عبدالوهاب و ابن تیمیه، جریانی افراطی را تحت عنوان سلفی‌ها و تکفیری‌ها در جهان اسلام رشد و نمو داده‌اند که علاوه بر تفکرات وهابی‌گری، خشونت و اسلام‌زدایی را نیز در دستور کار خود قرار دارد.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی از مراجع عظام تقلید در این خصوص می‌فرمایند: «یکی از خطرات جریان تکفیری که متوجه تمام بشریت شده، اقدامات سلفی‌هایی است که همه جا را ناامن نموده است». وهابیتی که موجب ظهور این جریان شده خود به دو بخش تکفیری و غیر تکفیری تقسیم می‌شود که با شاخه غیرتکفیری می‌توان بحث منطقی کرده و دعوی‌ایی نداشت اما شاخه تکفیری جریانی خطرناک بوده که با اقدامات تروریستی و انتحاری عده‌ای بی‌گناه را به خاک و خون می‌کشند و غیر از خود حتی اهل سنت را که با آن‌ها موافق نباشند کافر قلمداد می‌کنند و همین قرائت‌های افراطی و خوارجی از اسلام است که گسترش فقر اقتصادی و حاکمیت استعمار، در دنیای اسلام را سبب گردیده و اندیشه‌های سلفی را گسترش داده است (خلاصه‌ای از بیانات حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی در مسجد اعظم قم، هفتم ذی‌الحجه، ۱۴۳۵). داعش، شاخه‌ای از جریان گسترده سلفی‌های تکفیری است که اندیشه‌های آن به‌طور عمده به آرای ابن تیمیه و محمدابن عبدالوهاب بازمی‌گردد. ابن تیمیه، بنیان‌گذار تفکر سلفی در قرن هشتم هجری است که به‌طور کلی با عقل و اندیشه مخالف بود. وی سفر برای زیارت قبر پیامبر اکرم (ص) را حرام و هرگونه توسل به آن حضرت را بدعت و شرک می‌دانست. ابن تیمیه تفکرات اسلامی شیعیان را مردود و آن‌ها را کافر می‌دانست و تکفیر می‌کرد (قوام و بهرامی، ۱۳۹۰: ۵۲). از همین افکار بود که اندیشه‌های خطرناک تکفیری در جهان اسلام شکل گرفت که تا به حال نیز ادامه دارد. علاوه بر ابن تیمیه، محمدابن عبدالوهاب نیز از جمله سلفی‌هایی است که تفکرات خشک و بی‌روح این جریان را در چهار قرن بعد یعنی در قرن

دوازدهم هجری رواج داد. وی نیز مانند سلفش، حکم به تکفیر شیعیان داد و سرزمین و کشورهای آنان را سرزمین و کشور کفر و جنگ می‌دانست (رضوانی، ۱۳۸۷: ۸۹). لذا آنچه امروز گروه‌های تکفیری و داعش انجام می‌دهند، بر اساس یک سری تفکرات و مبانی فکری و با استناد به ظاهر آیات قرآن می‌باشد که "تکفیر مخالفان فکری" از مبانی فکری مشترک بین همه آن‌ها بوده و از همه بیشتر باعث بروز رفتارهای تروریستی شده است.

بنابراین در شرایط کنونی شناخت افکار این جریان منحرف، مهم و اساسی بوده و انجام این تحقیق و آگاهی بخشی مناسب در این زمینه، اولاً باعث مقابله و مبارزه هدفمند با این گروه‌ها گردیده و ثانیاً تأثیر زیادی در جلوگیری از انحراف در گرایش‌های اعتقادی کارکنان و پیامدهای منفی امنیتی آن خواهد داشت. از طرفی، فعالیت‌های نظامی که در این عرصه صورت می‌گیرد اگر با تلاش‌های نرم‌افزاری همراه نشود، به‌تنهایی نتیجه نخواهد داد و افراد ناآگاه به‌طور مداوم جذب این گروه‌ها شده و به‌عنوان نیروی تازه‌نفس وارد عرصه جنگ علیه مسلمانان خواهند شد. از این‌رو ارائه شناخت درست از مبانی تفکر تکفیر در گروه‌های تکفیری و راه‌های مقابله با آن و همچنین کاربرد نتایج این تحقیق در مقابله با تهدیدات امنیت ملی ضروری بوده و اگر این پژوهش انجام نشود با توجه به تهدیدات گروه‌های تکفیری برای جمهوری اسلامی ایران، به امنیت ملی آسیب‌های زیادی وارد خواهد گردید. بر این اساس هدف از اجرای پژوهش پیش‌رو، شناخت و تبیین مبانی فکری گروه‌های تکفیری درمورد تکفیر سایر گروه‌های مسلمان و ارائه راهکارهای مناسب جهت مقابله با آن می‌باشد و تلاش شده است ضمن ارائه اسناد و مدارک و نظر خبرگان، از نوآوری لازم نیز برخوردار باشد.

مرور مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش

سیر تاریخی شکل‌گیری تفکر تکفیر

تفکر تکفیر در جهان اسلام، به صدر اسلام (سده نخستین اسلامی) بازمی‌گردد. پس‌از آن و در سده دوم هجری نیز جریانی به نام اهل حدیث به وجود آمد که از نظر کلامی در برابر معتزله و از نظر فقهی در برابر اهل رأی موضع گرفت. در قرن هفتم و هشتم، تفکر ابن‌تیمیه تا حدود زیادی موضوع تکفیر را تئوریزه کرد اما مورد استقبال علما و یا عوام قرار نگرفت، بلکه به مقابله با او منجر شد تا این‌که در قرن دوازدهم (ه.ق) محمد بن عبدالوهاب این اندیشه را در نجد عربستان زنده کرد و آن را با همکاری بخشی از قبیله آل سعود و حمایت انگلیس تبدیل به یک

فرقه و نظام سیاسی نمود که موجب اشاعه وهابیت گردید (فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۶). لذا شکل‌گیری تفکر تکفیر را در مراحل زیر می‌توان تقسیم‌بندی کرد:

مرحله اول - دوران بنیادین «احمد بن حنبل»

حداد عادل معتقد است احمد بن حنبل با ایجاد یک طرز فکر قشری‌گرائی و ظاهرگرایی سبب شد که برخی متفکران حنبلی تفاوت میان اعمال مسلمین و اعمال مشرکین جاهلی را درک نکرده و فقط با توجه به ظاهر، اعمال مسلمین را از مصادیق شرک خوانده و در نتیجه سبب پدیدار شدن یک تعریف از شرک شوند که دایره شمول آن بسیاری از اعمال مسلمین را دربر گرفت (حداد عادل، ۱۳۷۵: ۵۲). نغمه‌های شوم تفکرات نوظهور و خشونت‌بار در باب توحید و شرک در کشتزاری که احمد بن حنبل دانه‌های آن را پاشیده بود، از قرن چهارم روبه جوانه‌زدن می‌نهند. با ظهور ابومحمد بربهاری ما با نخستین تحرکات در مورد تخطئه اعمال مسلمین در ارتباط با اولیاء خدا پس از مرگ مواجه می‌شویم. این شخص در قرن چهارم می‌زیسته و از علمای حنبلی بغداد و می‌توان او را تنها محرک و پیشوای فعال حنبلیان بغداد دانست (عقیلی، ۱۳۸۹: ۸۷).

مرحله دوم - دوران تکامل «ابن تیمیّه ۶۶۱ - ۷۲۸»

در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم فردی که تأثیر زیادی در تحقق دیدگاهی جدید در مورد توحید و شرک گذاشت، ابن تیمیّه بود. او را که یکی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین علمای حنبلی در قرن هفتم و هشتم هجری قمری و از اخلاف تندرو سلفیون می‌باشد، می‌توان نظریه‌پرداز و تحلیل‌گر و کامل‌کننده یک نهضت فکری در باب توحید و شرک دانست که در نهایت به تکفیر دیگر مسلمانان منتهی گشت. او صراحتاً در مورد توحید و شرک تحلیلی ارائه داد که در آن تحلیل تفکیک بین توحید ربوبی و توحید عبادی به‌طور کامل صورت گرفت و ابراز شد که هیچ‌گونه تلازمی بین اعتقاد به ربوبیت یا خالقیت با تحقق عبادت نیست. او تحلیل کاملی از تعریف خود از شرک عبادی ارائه نداد و ادله او بر تحلیل جدیدش وافی نبود و این امر خود نشان‌دهنده ضعف مبنایی وی می‌باشد (اسعدی، ۱۳۸۸: ۶۵).

مرحله سوم - دوران انتقال «ابن قیم جوزیه ۶۹۱ - ۷۵۱»

آن‌گونه که رفیعی بیان می‌کند، ابن قیم یکی از مروّجان سرسخت عقاید ابن تیمیّه بود که به نظرات ابن تیمیّه شاکله‌ای جدید بخشید. وی پس از مرگ ابن تیمیّه از زندان آزاد شد و به

مصر رفت و در آن جاسرسختانه با مذهب مخالفت کرد اما برخلاف استاد خویش علاقه شدیدی به تصوف و عرفان نشان می‌داد و از آن طرفداری می‌کرد. وی از قرن هشتم تا قرن دوازدهم را مرحله انتقال می‌نامد چراکه در این سال‌ها گروهی وجود داشتند که سعی در احیاء و تبیین آثار و افکار نوظهور ابن تیمیه نمودند که در میان آن‌ها محمد ابن حیاة السندی و عبدالله بن ابراهیم نجدی از استادان محمدابن عبدالوهاب را می‌توان نام برد (رفیعی، ۱۳۸۷: ۵۶).

مرحله چهارم - دوران تبلور «محمد بن عبدالوهاب»

از دیدگاه علیزاده موسوی، قرن دوازدهم قرن تظاهر عملی و افراطی یک نهضت فکری طغیان‌گر بود که یازده قرن در زمینه فکری حنبلی‌ها مخفیانه ریشه دوانیده بود. درواقع محمد بن عبدالوهاب را می‌بایست مجری طرح‌های پیشینیان نامید. از نظر محمد بن عبدالوهاب شرک مسلمین که مرتکب اعمال بیه‌اصطلاح وی - شرک آمیز می‌شوند بسیار اشد و مهم‌تر از شرک مشرکین جاهلی است (علیزاده موسوی، ۱۳۸۹: ۳۵). ابن عبدالوهاب با پیوستن به حاکم محلی درعیه (محمدبن سعود) و تحریک او برای قتل و نهب (به معنی غارت) مسلمانان، موجبات دل‌آزردگی بسیاری از مسلمانان را در شهرهای مختلف حجاز، عراق، ایران، شامات و هندوستان فراهم و تفرق و تشتت را حاکم کرد. در چند حمله ویرانگر پیروان محمد بن عبدالوهاب به شهرهای مکه، مدینه، کربلا، نجف و طائف، چه بسیار عالمان که کشته شدند و چه مزارها و مقبره‌های امامان و اولیا و صحابه ویران شدند. تفکرات او که شکوفایی تام یک سیر فکری طولانی و مرموز بود در میان برخی از متفکران معاصر و جنبش‌های اسلامی رخ نمود (عدالت نژاد و نظام الدینی، ۱۳۹۰: ۱۱).

مرحله پنجم - دوران اغراق در تکفیر «سلفیان معاصر»

به دنبال فتح ریاض توسط عبدالعزیز معروف به ابن سعود در سال ۱۳۱۹ ق و تداوم مبارزه برای کسب قدرت که تا سال ۱۳۵۱ ق برای فتح کامل سرزمین عربستان ادامه یافت، یک رژیم سیاسی مبتنی بر نظام پادشاهی در قالب قبیله‌ای و با تکیه بر اصول وهابیت در سرزمین حجاز استقرار یافت (پاکتچی و هوشنگی، ۱۳۹۰: ۶۵). شاخصه این جنبش در آن است که در معنای بدعت توسعه زیادی داده و این حرکت را انتفاضه‌ای دانستند برای از بین بردن مظاهر ثنویت و شرک و آنچه را که بدعت در دین می‌نامیدند. از سوی دیگر هجوم گسترده استعمار غربی به جهان اسلام و انحطاط و عقب‌ماندگی داخلی مسلمانان برخی از اقشار گوناگون جوامع مسلمان را به واکنش واداشت. به دنبال آن گروه‌های سلفی در مصر با هدف اصلاح جوامع مسلمان،

احیای عظمت مسلمین، اتحاد سرزمین‌های عربی و بازگشت به خلافت عثمانی از طریق تمسک به قدرت و حتی با خشونت ظهور کردند. گروه صالح سریه از نخستین جماعت‌هایی بود که این اندیشه را پی گرفت. پس از آن، شکری مصطفی در کنار اندیشه حاکمیت، به طرح ایده جدید «هجرت» پرداخت. هجرت از «دار الحرب» و «دار الکفر» به «دار الاسلام»، باهدف کسب آمادگی برای جهاد و دستیابی به قدرت مطرح شد. جماعت اسلامی نیز از گروه‌هایی بود که در امتداد اندیشه‌های صالح به سریه حرکت می‌کرد و جهاد علیه حکومت کافر را هدف اصلی این سازمان می‌دانست. آنان رهبران کنونی جهان اسلام را به دلیل تمکین در برابر صلیبیان، کمونیست‌ها یا صهیونیست‌ها مرتد دانسته و جاهلیت دنیوی و نوین آنان را خطرناک‌تر از جاهلیت قبل از اسلام می‌خوانند. تکفیر آنان برای غیرمشروع کردن تبعیت از حاکمان و تعیین «کافران داخلی» به‌عنوان اولین هدف جهادی که طاغوت را از میان برمی‌دارد، است (محمودیان، ۱۳۹۰: ۱۲۹). البته تکفیر در دوران معاصر ابعاد گسترده‌تری یافته است؛ چون علاوه بر وهابيون، امروزه غرب و آمریکا نیز وارد عرصه شده‌اند و یک سر تکفیر از آن‌ها نشأت می‌گیرد. آن‌ها پروژه‌ای را با عنوان اسلام‌ستیزی برای جلوگیری از رشد اسلام در غرب از دهه هفتاد آغاز نموده و از این حربه نیز استفاده می‌نمایند (علیزاده موسوی، ۱۳۸۹: ۲۲)

رضوانی (۱۳۹۰) تکفیر را به سه نوع به شرح ذیل تقسیم نموده است:

تکفیر دینی

آن‌گونه که در تارنمای مرکز جامع پژوهش‌های تکفیری (۱۳۹۶) بیان گردیده، حکم به تکفیر از مسلمان دین اسلام است که در قرآن و روایات و همچنین کتب فقهی ذکر شده و علمای دینی نیز در مورد آن اتفاق نظر دارند. اما تقسیم تکفیر به مطلق و معین بیشتر در ادبیات علمی سلفیه رایج است و به سبب تبلیغات گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. شاید بتوان گفت اولین کسی که از این اصطلاح (تکفیر مطلق، تکفیر معین) به کثرت در نوشته‌های خود استفاده کرده، ابن تیمیه است و علمای سلفی وهابی نیز به تقلید از ابن تیمیه از این اصطلاح در ادبیات خود استفاده می‌کنند و به تبیین و توضیح آن می‌پردازند.

الف) تکفیر مطلق:

تکفیر مطلق، نسبت دادن کفر به مجرد سبب است و آن مرتکب شدن قول یا فعل یا اعتقاد مکفر نزد سلفیه است. در این صورت گفته می‌شود هر کس چنین بگوید یا چنین اعتقادی داشته باشد یا فلان کار را انجام دهد کافر است. در این نوع از تکفیر، حکم کفر بر شخص معینی بار نمی‌گردد بلکه به‌صورت کلی، حکم کفر بر قول و فعل و یا اعتقاد بار می‌گردد؛

به عبارت دیگر تکفیر مطلق به معنای منوط کردن حکم به کفر، بر وصفی عام است که فرد معینی در نظر گرفته نشده است (رضوانی، ۱۳۹۰).
تکفیر مطلق به دو گونه است:

۱- منوط کردن حکم به کفر بر وصفی اعم از قول، فعل و اعتقاد؛ مانند این که گفته شود هر کس چنین بگوید و یا چنین کاری کند و یا چنین اعتقادی داشته باشد کافر است؛ مانند کسانی که بگویند مسیح خدا است یا یکی از نواقص اسلام را انجام دهند یا قائل به تأویل صفات خداوند متعال باشند؛ کافر هستند.

۲- منوط کردن حکم به کفر، بر وصف خاص مانند طائفه، فرقه یا جماعت مخصوص. مثل این که گفته شود یهودیان کافر هستند. مسیحیان کافر هستند و یا این که گفته شود جهیمیه کافر هستند (الرحیلی، ۱۹۹۵: ۱۱۷).

این بیان در کلمات ابن تیمیه زیاد به کار رفته است. وی در این باره می‌گوید: چه بسا سخنی کفر باشد. در این صورت اطلاق کفر به گوینده آن می‌شود و گفته می‌شود هر کس چنین بگوید کافر است (ابن تیمیه حرانی، ج ۷: ۶۱۹). در این بیان، کفر به صورت مطلق به کار رفته بدون این که شخص معینی در نظر گرفته شده باشد (رضوانی، ۱۳۹۰).
(ب) تکفیر معین:

تکفیر معین در نگاه سلفیه، حکم به کفر در مورد شخص معینی است که قول و یا فعل یا اعتقاد کفرآمیزی از او صادر شده و به اثبات رسیده است. در این صورت اگر مانعی اعم از جهل، تأویل، خطا و اکراه در مورد او وجود نداشته نباشد، حکم به تکفیر معین او می‌شود؛ مانند این که گفته شود فلان شخص کافر است (الرحیلی، ۱۹۹۵: ۱۱۸).

تمامی آنچه در مورد تکفیر مطلق و معین گفته شد در کلمات و فتاوی ابن تیمیه و وهابیت موجود است. ابن تیمیه در این باره می‌گوید: برای تکفیر شروط و موانعی وجود دارد که گاهی در حق شخص معین منتفی است؛ زیرا تکفیر مطلق مستلزم تکفیر معین نیست مگر زمانی که شرایط تکفیر موجود باشد و مانعی در بین نباشد (ابن تیمیه حرانی، ج ۱۲: ۴۸۷). ابن تیمیه در مورد دیگری می‌گوید: من از جمله کسانی هستم که از تکفیر معین به شدت نهی می‌کنم مگر در زمانی که حجت بر آن شخص تمام شده باشد در این صورت کسی که با حجت مخالفت کند کافر است (همان: ۲۲۹).

با توجه به آنچه گفته شد ابن تیمیه زمانی که بحث از تکفیر می‌کند، بین تکفیر مطلق و معین فرق می‌گذارد و در صورتی حکم به تکفیر معین می‌دهد که شرایط تکفیر در شخصی

موجود باشد و موانع آن نیز در حق شخص معین منتفی باشد. بر این اساس معتقدان به مذهب جهیمیه که منکر صفات هستند در نظر وی تکفیر معین نمی‌شوند (همان: ۴۸۷). ابن تیمیه برای عدم تکفیر معین به رفتار احمد بن حنبل در برخورد با کسانی که قائل به خلق قرآن بودند و او را به زندان انداخته بودند، اشاره می‌کند و می‌گوید امام احمد نه تنها آنان را تکفیر نکرد بلکه حتی برای خلیفه دعا کرد (همان: ۴۸۹).

تکفیر سیاسی

این تکفیر مرتبط به امور سیاسی مثل تکفیر حاکم یا تکفیر دولت حاکمه است که ممکن است ریشه در اختلافات گروه‌ها، جریان‌ها و احزاب سیاسی و در ایدئولوژی و اهداف داشته باشد (رضوانی، ۱۳۹۰: ۲۸). تکفیر در صدر اسلام تنها یک مسئله اعتقادی بود اما نسبت کفر دادن در آن زمان با نسبت کفر دادن در دوران معاصر تفاوت‌های زیادی دارد. آنچه تکفیر و جریان‌های تکفیری را در دوران معاصر با گذشته متمایز کرده عبارت‌اند از:

۱- سیاسی شدن مسئله تکفیر توسط قدرت‌های استکباری و مدیریت و هدایت آن در درون جوامع اسلامی جهت ایجاد اختلاف و نزاع بین مسلمانان و در نتیجه نابودی سرمایه‌های مادی و معنوی کشورهای اسلامی.

۲- جهانی شدن تکفیر و گسترش آن در سراسر جهان اسلام توسط سرویس‌های اطلاعاتی و قدرت‌های تبلیغاتی استکبار (علی‌بخشی، ۱۳۹۴: ۱۴۱).

روایاتی داریم که اگر کسی منکر ضروریات دین شود، کافر است و تکفیر به معنای نسبت کفر دادن است، اما چنین مسئله‌ای که فرقه‌ای دیگر را کافر بشمارد، میان فرق اسلامی سابقه نداشته است. میان علما و فقها به‌طور قاطع در این زمینه فتوایی وجود ندارند. این که الآن فرق وهابی و سلفی، شیعیان را تکفیر می‌کنند، بر اساس اغراض سیاسی است که دارند و دلیل فقهی و دینی برای این اقدام وجود ندارد. استعمار هم همیشه از همین حربه تکفیر برای اختلاف‌افکنی استفاده کرده و الآن در مصر، سوریه، عراق و کشورهای اسلامی از همین حربه تکفیر برای تفرقه‌افکنی و رسیدن به مطامع سیاسی خودش استفاده می‌کند (غروی، ۹۵).

تکفیر فکری

این نوع از تکفیر مرتبط با فرهنگ و تفکر است؛ بدین معنا که علما و اصحاب فرهنگ و هنر و صاحبان کتاب یا نظر و یا نقش هنری، تکفیر می‌شوند که این نمونه از تکفیر در عصر عباسی بسیار زیاد انتشار پیدا کرده بود؛ به‌طوری که به مجموعه‌ای از شعرای اصیل ایرانی تهمت نفاق و

الحاد و كفر زدند كه تا حال حاضر نيز ادامه پيداكرده و فلاسفه و ادبا و علما و فقها و هنرمندان را تكفير مى‌كنند (غروى، ۱۳۹۵).

ويژگى‌هاى رفتارى جريان تكفيرى

برخى از ويژگى‌هاى رفتارى جريان تكفيرى را مى‌توان به شرح زير بيان كرد:

- ۱- ظاهرگرابى افراطى و قشرى بودن
- ۲- تكيه بر ارباب و وحشت
- ۳- تكيه بر جهل و تعصب جاهلى
- ۴- فرقه‌گرابى
- ۵- الگوسازى بدلى براى تخریب عقده‌ها و احساس حقارت‌هاى تاريخى
- ۶- تكيه بر احساسات به‌جاى عقلانيت در بنيادهاى فكرى (عقلانيت‌گرى)
- ۷- هم‌گرابى با كشورها، گروه‌ها، نيروها و افرادى كه اهداف مشترك داشته باشند، مثل آمريكا و رژيم صهيونيستى (هدف وسيله را توجيه مى‌كند)
- ۸- تمرکز بر فعال‌سازى شكاف‌هاى مذهبى
- ۹- عقب‌ماندگى سياسى، اجتماعى، فكرى و فرهنگى (فيروزآبادى، ۱۳۹۳: ۴۵).

تاريخچه مقابله و مبارزه با تكفير

برخى حوادث و جنگ‌هاى مهم تاريخ اسلام به سبب تكفير روى داده، همچنان كه برخى رخدادهاى سياسى و اجتماعى زمينهٔ تكفير را فراهم آورده است كه تعدادى از آنها به شرح ذيل مى‌باشد:

الف) از جمله موارد مهم مقابله با تكفير در دوران پس از رحلت پيامبر اكرم، جنگ‌هاى «رِده» در زمان ابوبكر بود كه در اين جنگ‌ها دستگاه خلافت، معارضان خود را كافر و خارج از دين خواند. البته درباره اينكه واقعاً تمامى يا بعضى از كسانى كه در آن دوره تكفير شده‌اند، از ديدگاه فقه اسلامى كافرند يا خير، ترديد جدى وجود دارد (سبحانى، ۱۳۷۶: ۲۳).

ب) واقعهٔ مهم تاريخى ديگر درباره تكفير، غائله خوارج است. آنان كسانى بودند كه بعد از واقعه صفين و قضيه تحكيم بر امام على (ع) خروج كرده و آياتى را كه در شان كفار نازل شده بود تفصيل داده و برحسب هواهاى نفسانى خود بر بزرگان و امامان مسلمانان تطبيق نمودند و بر اين اساس اميرالمؤمنين على (ع) را تكفير كردند (رضوانى، ۱۳۹۱: ۹۳). بسيارى از فرقه‌هاى

خوارج، کسی را که مرتکب یکی از گناهان کبیره می‌شد، تکفیر می‌کردند و در مقابل، بعضی از مسلمانان نیز خوارج را تکفیر می‌کردند (خسروی، ۱۳۸۰: ۲۳).

ت) قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی که دوران اوج حضور استعماری غرب در سرزمین‌های اسلامی بود، افول قدرت حکومت‌های بزرگ مسلمان، نظیر ایران و عثمانی، زمینه را برای گسترش حرکت‌های استعماری غرب در سرزمین‌های اسلامی فراهم کرد. لذا در این شرایط، جریان‌هایی باهدف بازگشت به عصر طلایی اسلامی شکل گرفت که برخی از آن‌ها ماهیتی دور از آموزه‌های اصیل اسلامی داشتند. در همین دوره بود که وهابیت در بستر اندیشه‌های ناصواب ابن تیمیه، توسط محمدابن عبدالوهاب پایه‌گذاری شد. دیری نپایید که وهابیت به دلیل ارتکاب خشونت‌های گسترده و خونریزی‌های وحشیانه (به بهانه مبارزه با کفر)، خاطره تلخ اقدامات خوارج در تاریخ اسلام را زنده کرد (رضوانی، ۱۳۸۸: ۲۳).

ث) سلطان سلیم عثمانی در سال ۹۲۰ هجری به اسم مبارزه با حکومت شیعی صفوی به ایران حمله کرد و بهانه‌ای بهتر از این نبود که به تعبیر خودش به مقابله با کافران شیعه که در همسایگی او قدرت گرفته‌اند آمده است (حسینی، ۱۳۹۲).

خاستگاه شکل‌گیری تفکر تکفیر

هر جنبش یا حرکتی دارای منشأ و آبشخورهایی است که ریشه‌هایش به آن‌ها می‌رسد. اختلاف بین شیعه و سنی در مسئله جانشینی پیامبر (ص) از سابقه‌دارترین مسائل اختلافی در میان امت اسلامی است و اولین جرعه‌های تکفیر در جهان اسلام در سقیفه بنی ساعده زده شد (فرمانیان، ۱۳۸۲: ۱۳۸). پس از آن واقعه اختلافات ادامه پیدا کرد تا آنجا که استعمارگران از این اختلافات و احساسات مسلمانان سوءاستفاده کرده و به اختلاف بین شیعه و سنی دامن زدند، به گونه‌ای که یکدیگر را تکفیر نموده و علناً جنگ شیعه و سنی به راه افتاد. لذا بزرگ‌ترین مصائب در تاریخ اسلام و بدترین ضربه‌ها بر پیکر اسلام از اینجا شروع می‌شود.

رهبران فکری جریان تکفیری

جنبش سلفیت شامل مجموعه‌ای از افکار و عقاید است که ریشه آن به تفکرات افرادی چون احمدابن حنبل، ابن تیمیه، رشیدالرضا، ابوعلاء مودودی، سیدقطب و محمدابن عبدالوهاب می‌رسد. درواقع این افراد رهبران فکری این جنبش هستند. این جنبش نماد تفکر افرادی است که به گفته خودشان مدعی بازگشت به صدر اسلام هستند. بدون شک شناخت بهتر هر گروه، حزب، جنبش یا هر جریان سیاسی در درجه اول مستلزم شناخت ریشه‌های فکری آن است

چراکه عقايد و افکار آن‌ها است که حزب، جنبش و... را شکل می‌دهند. از آنجا که شناخت ریشه‌های فکری نیازمند بررسی و شناخت آراء و تفکرات رهبران آن‌ها است لذا این موارد به‌طور خلاصه به شرح جدول ذیل بیان گردیده است:

جدول (۱) اصول فکری و ویژگی‌های رفتاری رهبران فکری جریان تکفیری

منابع	اصول فکری و ویژگی‌های رفتاری	رهبران فکری
(رضوانی، ۱۳۸۸: ۱۳) (محمودیان، ۱۳۹۰: ۱۲۶) (شهرستانی، ۱۳۶۱: ۱۶۵)	۱- تأکید بر ظاهر احادیث ۲- سنت‌گرایی شدید و افراطی ۳- منطق ناپذیری در برابر پدیده‌های نوین و مدنی ۴- حکم کردن بر ظاهر کتاب و سنت	احمدبن حنبل (۲۴۱-۱۶۴ه.ق)
(رضوانی، ۱۳۸۸: ۱۳) (ساوه درودی، ۱۳۹۲: ۱۷)	۱- ادامه‌دهنده خط فکری احمدابن حنبل ۲- بدعت نامیدن هر عملی که در زمان پیامبر نبوده است ۳- شرک دانستن توسل و زیارت قبور ۴- استناد به قرآن و سنت و روش سلف صالح ۵- تلاش در جهت شیعه ستیزی	احمد بن تیمیه (۷۲۸-۶۶۱ه.ق)
(پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۶) (رضوانی، ۱۳۸۸: ۲۱) (نجفی فیروزجانی، ۱۳۹۲)	۱- عمل به سیره سلف و مراجعه مستقیم به کتاب و سنت ۲- عملی نمودن تفکرات ابن تیمیه ۳- تأسیس فرقه وهابیت ۴- اختلاف‌افکنی بین مسلمانان ۵- جسم قائل شدن برای خداوند ۶- حرام دانستن زیارت قبور ائمه (ع) و قبر پیامبر (ص)	محمد ابن عبدالوهاب (۱۲۰۶-۱۱۱۵ه.ق)
(محمودیان، ۱۳۹۰: ۱۳۱) (همان، ۱۳۸)	۱- اعتقاد به ضرورت جهاد علیه حاکمان به غیر ما انزل الله ۲- اعتقاد به احیای خلافت اسلامی	ابوالعلی مودودی (۱۳۹۹-۱۳۲۱ه.ق)
(محمودیان، ۱۳۹۰: ۱۴۳) (دکمجیان، ۱۳۸۷: ۱۶۵) (مزینانی، ۱۳۹۲: ۲۶)	۱- اعتقاد به جاهلی بودن جامعه موجود ۲- دعوت به جهاد برای تجدید حیات اسلام ۳- ضرورت برپایی حکومت اسلامی	سید قطب (۱۳۸۷-۱۳۲۷ه.ق)

قرآن و نهی از تکفیر مسلمانان

حسینی قزوینی (۱۳۸۵) طی مصاحبه‌ای در خصوص تکفیر از منظر قرآن می‌گوید؛ قرآن خیلی واضح و روشن، مسئله تکفیر را برای مسلمانان بیان کرده و هیچ ابهامی در این زمینه در آیات قرآن نیست. قرآن، ملاک اسلام و کفر را شهادت به وحدانیت حق تعالی بیان کرده است:
(الف) آیه اول: به‌صراحت در سوره حجرات آمده است:

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنَّ قَوْلُوا أُسْلِمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ (قرآن کریم سوره حجرات آیه ۱۴) اعراب بادیه‌نشین به تو گفتند: ایمان آوردیم. بگو: نه هنوز ایمان نیاورده‌اید و باید بگویید اسلام آوردیم؛ چون هنوز ایمان در دل‌های شما داخل نشده است. ایمان، مرحله بالاتری است که باید عقیده به خدا و رسالت، در سراسر وجود انسان و قلب انسان جا بگیرد. در ذیل این آیه شریفه، در تفسیر قرطبی آمده است: «و أما الاسلام فقبول ما أتى به النبي صلى الله عليه و سلم في الظاهر و ذلك يحقن الدم». (تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۳۴۸) یعنی کسی که در ظاهر شهادت به توحید و رسالت بدهد، اسلام آورده است و باعث می‌شود که خون انسان، محترم باشد و کسی حق تعرض به او را نداشته باشد (حسینی قزوینی، ۸۵).

ابن کثیر دمشقی سلفی - رهبر فکری وهابیت و از دوستان نزدیک ابن تیمیه - در ذیل همین آیه صراحت دارد: افرادی که گفتند ایمان آوردیم و خدا فرمود: نه اسلام آوردید، نشان می‌دهد که ظاهر اسلام آوردن این‌ها کافی است تا خون و مال و عرض این‌ها محترم باشد و منافق نبودند و مسلمان بودند. ولی چون ایمان به قلبشان نفوذ نکرده بود، خداوند فرمود که نگویید ما مؤمن هستیم و بگویید ما مسلم هستیم (تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۲۳۴).
 ب) آیه دوم: خداوند در سوره نساء به صورت واضح می‌فرماید: «وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» (قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۹۴) به کسی که به شما سلام می‌کند، نگویید مؤمن نیست - تا به منظور گرفتن اموالش او را به قتل برسانید - در این آیه، خداوند متعال مسلمانان را از نسبت دادن کفر به دیگران به بهانه‌های مختلف، نهی کرده است.

پیامبر اسلام (ص) و نهی از تکفیر

ابن عمر از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: «أَيُّهَا امْرَأُ قَالَ لِأَخِيهِ يَا كَافِرُ فَقَدْ بَاءَ بِهَا أَحَدُهُمَا، إِنَّ كَانَ كَمَا قَالَ وَ إِلَّا رَجَعْتُ عَلَيْهِ» هرگاه کسی به برادرش بگوید: ای کافر یکی از این دو حالت بر اوست، اگر نسبت درست باشد که هیچ، وگرنه به خودش بازمی‌گردد (مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۸: ۳۱۴). همچنین ابن مسعود از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: «ما من مسلمين إلا و بينهما ستر من الله فإذا قال أحدهما لصاحبه كلمه هجر خرق ستر الله، وإذا قال يا كافر فقد كفر أحدهما» هیچ دو مسلمانی نیستند جز آنکه بینشان ستري از جانب خداوند است و چون یکی از آن دو به رفیقش کلمه زشتی بگوید ستر الهی را پاره کرده است و چون بگوید ای کافر یکی از آن دو کافرند (مسند الامام الطحاوی، ج ۵: ۲۱۵).

رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خصوص خطر جریان تکفیری

ایشان تکفیر را عامل اساسی تفرقه و دشمن بزرگ جهان اسلام می‌خوانند و می‌فرمایند: امروز شما می‌بینید «تکفیر»، یک عاملی برای دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی است؛ نه فقط شیعه، [بلکه] اهل سنت را هم تکفیر می‌کنند؛ اهل سنت را هم مسجدشان را، نمازشان را منفجر می‌کنند به نفع رژیم صهیونیستی، برای اینکه مردم را و مسلمان‌ها را به هم مشغول کنند تا غافل بشوند از مسئله‌ی مهم فلسطین و از حضور دشمن در دل دنیای اسلام غفلت کنند؛ هدف، این‌ها است. یک عده‌ای هم از روی ساده‌لوحی، بعضی هم البته از روی غرض، با آن‌ها همراهی می‌کنند، این را باید متوجه بود (امام خامنه‌ای (حفظه‌الله تعالی)، در دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران حج، ۱۳۹۳).

مبنای تفکر تکفیر در عقاید تکفیری‌ها

یکی از شاخصه‌های بسیار مهم وهابیت تکفیر مسلمانان است. متهم کردن مسلمانان به کفر و شرک و تکفیر آنان، یکی از خطرناک‌ترین افکاری است که توسط ابن تیمیه حرانی حنبلی نظریه‌پرداز و بنیان‌گذار تفکر وهابیت، مطرح شده و باعث متشنج شدن افکار عمومی مسلمانان و جریحه‌دار شدن عقاید آنان شد. تکفیر مسلمانان و اعتقاد به آن پیامدهای منفی جبران‌ناپذیری را به همراه داشت که مهم‌ترین آن پیامدها اعلام حکم جهاد و مبارزه با مسلمانان و به‌خصوص شیعیان بود. بر اساس همین حکم بود که کم‌کم موجی از یورش‌ها و حملات توسط سلفی‌های تکفیری و افراطی به شهرها و مناطق شیعه‌نشین آغاز گشت که منجر به قتل و غارت و کشتار بسیاری از مردم بی‌گناه و از جمله کودکان و زنان شد. هرچند برخی معتقدند تمام جریان‌های تکفیری، برخاسته از گرایش‌های سلفیه‌اند و سلفیان تحت تأثیر ابن تیمیه - و امروزه جهان اسلام با پدیده ابن تیمیه روبه‌رو است که به نام اسلام، خشونت‌عریان را ترویج کرده، به کفر مسلمانان فتوا می‌دهند - اما با اندکی دقت درمی‌یابیم که پیشینه تفکر این جریان به ابن تیمیه ختم نمی‌شود بلکه ریشه در ظاهرگرایی و عقل‌ستیزی، عالمان اهل حدیث دارد که به‌گونه‌ای دیدگاه‌های خود را برگرفته از اصول احمد ابن حنبل می‌دانستند (واحدی‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۱).

نوع تکفیر در بین مذاهب، اعتقادات و جریانات مختلف

تفکر تکفیر که امروز به مسئله‌ای جدی برای جهان اسلام تبدیل شده، انواعی دارد که در گروه‌های زیر تقسیم‌بندی گردیده است و لازم است برای شناخت بیشتر نسبت به گروه‌های

تکفیری و نیز ریشه تفکر تکفیر انواع آن را بشناسیم چون نبود شناخت دقیق از جریانات مختلف، همواره سبب شده تا راهبردهایی در قبال آنان اتخاذ شود که نتیجه‌ی چندان مطلوبی نداشته باشد. به همین منظور برای گونه‌شناسی تکفیر و بیان تفاوت میان تکفیری‌ها مطالب ذیل قابل توجه است:

تکفیر در اعتقادات اهل سنت

به اعتقاد صفری (۱۳۹۵) غالب اهل سنت مانند شیعه شهادتین را شرط اسلام می‌دانند و کسی که آن را بر زبان بیاورد مسلمان است؛ اما جریانات تکفیری موجود نیز در میان آن‌ها شکل گرفته است که این جریانات مخالفان خود اعم از شیعه یا سنی را تکفیر می‌کنند. همچنین ضیایی ارزگانی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای در این خصوص نتیجه گرفته که ائمه مذاهب اهل سنت هم خود از آن حذر می‌نمودند و هم به پیروان خود هشدار می‌دادند که مبدا در حلقه تکفیر گرفتار شوند و بدین ترتیب، اقدام به توسعه‌ی دایره مسلمانی می‌نمودند. همچنین این نکته را بیان می‌کردند که نباید اهل قبله را تکفیر نمود، هر چند ممکن است دیدگاه‌ها در برخی فروع دین مختلف باشد، زیرا آنچه که همه را زیر چتر دین مبین اسلام جمع می‌کند، گفتن «شهادتین» و اهل قبله بودن است و اگر کسی از این دو شاخصه برخوردار بود، تکفیر او جایز نیست.

تکفیر در اعتقادات وهابیت

وهابیت یک جریان فکری دینی نیست بلکه یک جریان فکری سیاسی است که به‌وسیله استعمار و استکبار به وجود آمده است و هدف از ایجاد آن تفرقه و اختلاف‌افکنی بین مسلمانان بوده است. تکفیر سلاح وهابیت است و هر چیزی را که باب میلشان نیست به کفر نسبت می‌دهند. داعش که دست‌پرورده وهابیت است نیز با استناد به همین تکفیر اقدامات هولناکی علیه مسلمانان را انجام می‌دهد. در تمامی آثار محمد بن عبدالوهاب، از کتاب‌ها گرفته تا نامه‌ها، تکفیر مسلمانان مشاهده می‌شود، وی در «کشف الشبهات» رسماً علمای اسلام را مشرکان زمان نامیده و حکم تکفیر آنان را صادر کرده است (علیزاده موسوی، ۱۳۹۲). او پا را از این فراتر گذاشته، حتی مسلمانان را از مشرکان زمان پیامبر گرامی اسلام (صلی اله علیه و آله) بدتر فرض کرده است. وی برای آن که مسلمانان عصر خود را از مشرکان بدتر نشان دهد، مشرکان را افرادی اهل عبادت، حج و صدقه، و انسان‌هایی با خدا معرفی می‌کند و فلسفه‌ی بعثت پیامبر را صرفاً دعوت آن‌ها به عدم واسطه قرار دادن مخلوقات میان خدا و آنان می‌داند (همان).

تكفير از نظر سپاه صحابه و لشگر جهنگوى

تكفير اين گروه در وهابيت و ابن تيميه ريشه‌هاى دارد اما سپاه صحابه و لشگر جهنگوى نه به خاطر توسل و زيارت و شفاعت، بلكه به خاطر توهين به خلفا و صحابه شيعيان را تكفير و مى‌كشند. خيلى از اين‌ها خودشان اهل توسل و شفاعت و ... هستند. چراكه با توجه به سنت فكري، ديوبندى از لحاظ مبناى بايد رويكردهاى صوفيانه هم داشته باشند. لذا مشكل آن‌ها با شيعه توسل و استغاثه نيست. جهنگوى در كتابش مى‌نويسد كه شيعيان به خاطر توهين به صحابه و خصوصاً خلفا مستحق قتل هستند. بعضى از افراطيون شيعه هم كارهايى انجام مى‌دادند كه شايسته نبود. رفتار آن‌ها رفتارى نبود كه اهل بيت «ع» توصيه کرده بودند. رفتار افراطيون سبب شد كه نگاه اين‌ها به شيعه تندتر شود (صفرى، ۱۳۹۵).

تكفيرى كه داعش به وسيله آن مسلمانان را مى‌كشد

تكفير داعشى‌ها ملغمه‌اى بين تكفير سيد قطب و تكفير وهابيت است. سيد قطب در زندان كتابى نوشت به نام «معالم فى الطريق» و در اين كتاب حرف‌هاى زد كه اين حرف‌ها بعداً به دست كسانى افتاد كه از آن يك نوع تكفير ايدئولوژيك بيرون كشيدند. مثلاً سيد قطب مى‌گويد دو جامعه بيشتر نداريم؛ جامعه اسلامى يا جاهلى. جامعه اسلامى جامعه‌اى است كه «بما انزل الله» حكم كند، جامعه‌اى كه «لم يحكم بما انزل الله» باشد «فاولئك هم الكافرون» است و اين جامعه جاهلى است. اين حرف را زد اما آن را ادامه نداد، سيد قطب كليات را گفت ولى جزئيات را بيان نكرد (همان). يكي از محققان مصرى به نام زينب غزالى كه در زمان ترور جمال عبدالناصر به همراه عده‌اى ديگر زندانى شده و تحت شکنجه قرار گرفته بود، مطلبى را از سيد قطب نقل مى‌كند كه وى گفته: «صدور حكم شرعى مختص فقها و علماست و من هرگز وارد اين مقوله نشده‌ام و هدف من بيان كلياتى درباره جامعه‌اى است كه مدعى اسلام است ولى از آن دور مانده است» (همان). به تعبير ديگر تكفير سيد قطب ناظر به تكفير فقهى و اصطلاحى نيست؛ بلكه به تكفير سياسى بازمى‌گردد چراكه خودش مدعى است هيچ‌گاه متعرض احكام شرعى نشده است و احكام شرعى در حوزه تخصصى فقهاست و او هرگز به اندیشه‌هاى تكفير اعتقادى نداشته است (سبحانى، ۱۳۹۵: ۲۳۵).

پيشينه پژوهش

تاکنون مطالعات و تحقيقات زيادى در زمينه تكفيرى‌ها به عمل آمده است. در هر کدام از اين مطالعات جنبه‌هاى متفاوتى از جريان تكفيرى مد نظر قرار گرفته است. از آن جمله مى‌توان به

پایان‌نامه مقطع دکترای فرمانیان (۱۳۸۸) در رابطه با مبانی فکری سلفیه اشاره کرد که نتایج آن نشان می‌دهد؛ پیشوای مکتب سلفیه کسی نیست جز احمدابن حنبل که به عنوان محدثی برجسته، با هرگونه روش تاویلی و تفسیر متون مخالف بود. سپس در قرن چهارم دوباره تفکرات وی توسط ابومحمد بریهاری احیا شد ولی تلاش او ناتمام ماند تا اینکه در قرن هشتم هجری احمدابن تیمیه و شاگردان وی عقاید حنبلی‌ها را به گونه‌ای افراطی‌تر احیا نمودند ولی با مرگ ابن تیمیه اعتقادات او عملاً کم‌رنگ شد تا اینکه در قرن دوازدهم محمدابن عبدالوهاب مجدداً تفکرات ابن تیمیه را احیاء نمود و مسلمانانی که با وی هم‌عقیده نبودند را متهم به کفر نموده و کمر به قتل و غارت آن‌ها بست. طالبی در پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد خود با موضوع پیشینه تاریخی اندیشه‌های سلفی، آبشخور اصلی تفکر سلفیان را تفکرات احمدابن حنبل و شاگردان وی دانسته و ابن تیمیه را به دلیل این که حربه تکفیر را در رد مخالفان خود به کار برد پایه‌گذار سلفی‌گری معرفی می‌نماید (طالبی، ۱۳۹۳).

همچنین در این خصوص می‌توان به مقاله احمدعلی واحدی‌زاده در رابطه با مبانی فکری گروه‌های تکفیری و رهبران آن‌ها اشاره کرد. وی در این مقاله نتیجه‌گیری کرده است که اگرچه امروزه جهان اسلام با پدیده ابن تیمیه روبه‌رو است که به نام اسلام، خشونت‌عریان را ترویج کرده و به کفر مسلمانان فتوا می‌دهند، اما پیشینه تفکر این جریان‌ها به ابن تیمیه ختم نمی‌شود بلکه ریشه در ظاهرگرایی و عقل‌ستیزی عالمان اهل حدیث دارد که به‌گونه‌ای دیدگاه‌های خود را برگرفته از اصول احمد بن حنبل می‌دانستند (واحدی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۲-۷). عدالت‌نژاد و همکارانش در مقاله خاستگاه و اندیشه‌های سلفیان تکفیری یا الجهادیون، پیروان سلفیه از احمدابن حنبل تا محمدابن عبدالوهاب را مربوط به دوران سلفیان قدیم دانسته و معتقدند سلفیان جدید که پس از تجزیه امپراطوری عثمانی به‌وجود آمده‌اند، در بسیاری از مواضع خود با سلفیان قدیم مشترکند اما مهم‌ترین وجه تمایز سلفیان جدید، کاربرد خشونت و اعتقاد راسخ به اندیشه تکفیر می‌باشد که این اعتقاد را نیز نشأت گرفته از تفکرات رهبران گروه‌های جهادی مصر مانند عبدالسلام فرج، شکری مصطفی، صالح سریه می‌دانند (عدالت‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۹۸). در این پژوهش به بررسی و شناخت مبنای تفکر گروه‌های تکفیری در خصوص تکفیر سایر مسلمانان پرداخته شده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی بوده و روش تحقیق، توصیفی و تاریخی با رویکرد آمیخته می‌باشد. جامعه آماری در این تحقیق مؤلفینی هستند که در زمینه تفکرات گروه‌های تکفیری

کتاب یا مقاله تألیف نموده‌اند و همچنین مسئولینی که در زمینه مبارزه با گروه‌های تکفیری فعالیت دارند و با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۴۸ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. برای اخذ روایی و پایایی، علاوه بر استفاده از نظر خبرگان، افراد متخصص و اسناد و مدارک معتبر، از آلفای کرونباخ نیز جهت سنجش پایایی پرسش‌نامه استفاده گردید.

تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها نیز با استفاده از مطالب مستخرجه از اسناد و مدارک معتبر و همچنین اطلاعات ارائه شده توسط صاحب‌نظران، بر مبنای استدلال و به روش آمیخته (تجزیه و تحلیل کمی و کیفی داده‌ها) انجام شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

۱) تفکرات تکفیری در صدر اسلام وجود داشته و خوارج اولین گروهی بودند که به تکفیر مسلمانان حکم دادند ولی در این نوع تکفیر که تکفیر فکری نام دارد اندیشه تکفیری به تکفیر عملی و قتل و غارت اموال تبدیل نشد. لذا خاستگاه شکل‌گیری و منشأ تفکرات تکفیری به اختلاف بین شیعه و سنی در مسئله جانشینی پیامبر اکرم (ص) برمی‌گردد و اولین جرقه‌های تکفیر در سقیفه بنی ساعده زده شده است.

۲) از قرن چهارم به بعد، تفکرات تکفیری از افکار سه نفر نشأت گرفته است؛ احمد ابن حنبل، ابن تیمیه و درنهایت محمد ابن عبدالوهاب.

۳) استناد به ظاهر آیات قرآن و روایات به عنوان یک مستمسک برای تکفیر دیگران توسط گروه‌های تکفیری بوده که البته دلیل آن‌هم می‌تواند همان ظاهرگرایی و عدم تعقل در آیات و روایات باشد. لذا برداشت ظاهری از قرآن و حدیث عامل مهمی در تکفیر مسلمانان توسط گروه‌های تکفیری می‌باشد.

۴) عدم شناخت صحیح معنای عبادت و توسل نیز از دیگر مواردی است که به عنوان مبنای فکری گروه‌های تکفیری می‌باشد که این مورد نیز به این دلیل است که شرک دانستن اعمال سایر مسلمانان درنهایت به تکفیر آنان منجر می‌گردد.

۵) در کنار همه موارد، جهالت یک عامل مهم و تاثیرگذار در تکفیر دیگران توسط گروه‌های تکفیری می‌باشد.

اگرچه به ظاهر بین نظریات یادشده واگرایی دیده می‌شود ولی با توجه به اینکه احمد ابن حنبل و پیروان وی تفکرات ظاهرگرایانه داشته‌اند و همچنین اقدام خوارج نیز در تطبیق دادن

برخی از آیات قرآن (درباره مشرکین) بر مسلمانان به نوعی بر اساس ظاهر قرآن بوده است، لذا مطالب قیدشده در این باره به یکدیگر ربط داشته و دارای اشتراکات فراوانی می‌باشند و می‌توان گفت بین موارد مطرح شده (مبنا قرار دادن خوارج، احمد ابن حنبل و پیروان وی و استناد به ظاهر آیات قرآن) ارتباط وجود دارد. همچنین عدم شناخت صحیح معنای عبادت و توسل و شرک دانستن اعمال سایر مسلمانان نیز به دلیل نداشتن فهم عمیق آنان از اسلام بوده که در نتیجه همان برداشت ظاهری از قرآن و روایات می‌باشد.

در مجموع اگر در کنار مبانی ذکرشده در خصوص تفکرات تکفیری گروه‌های تکفیری، اصول اعتقادی آن‌ها را هم مدنظر قرار دهیم، مشخص می‌شود که تأکید بر نقل و بی‌توجهی به علم و عقل تأثیر بسیار زیادی در گسترش تفکر تکفیر داشته است و اگر در دوران ابن تیمیه که مشخصاً بحث تکفیر مطرح گردید، پیروان و شاگردان وی مثل ابن قیم و محمد ابن عبدالوهاب به جای نقل صرف تفکرات تکفیری وی، در این خصوص تعقل بیشتری نموده و تبعات آن برای جامعه اسلامی را نیز در نظر می‌گرفتند قطعاً این تفکر گسترش نمی‌یافت یا حداقل در این سطح نبود. حتی اگر این افراد (پیروان ابن تیمیه) در آیات قرآن و احادیث پیامبر (ص) نیز تعقل می‌کردند و صرفاً به ظاهر تعدادی از آیات و روایات اکتفا نمی‌کردند به تکفیر مسلمانان در این سطح اقدام نمی‌کردند. لذا با عنایت به مطالب مطرح شده می‌توان گفت:

(۱) مبنای تفکرات تکفیری از لحاظ نوع برداشت از متون دینی و روایات، ریشه در تفکرات احمدابن حنبل دارد. چون وی با ترویج تفکرات ظاهرگرایانه و برداشت ظاهری از آیات و روایات، زمینه را برای پیروانش همچون ابن تیمیه فراهم نمود و باعث شد تا آنان سایر مسلمانان و پیران دیگر ادیان را به شرک و کفر متهم نمایند.

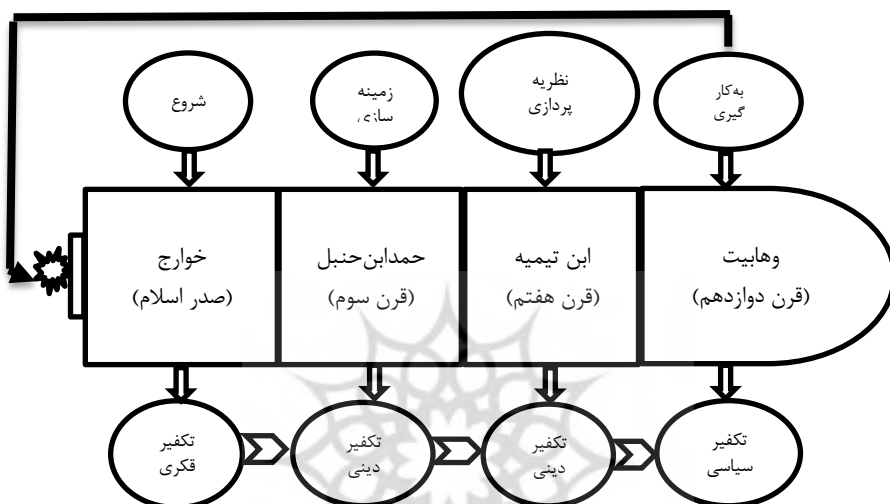
(۲) مبنای تفکرات تکفیری از لحاظ نظری و فکری، ریشه در تفکرات و نظریات ابن تیمیه دارد. وی برای اولین بار نظریه تکفیر را بیان نمود و پیروان وی نیز با استفاده از این نظریه اقدام به تکفیر و قتل مسلمانان نمودند.

(۳) مبنای تفکرات تکفیری از لحاظ عملی و نحوه برخورد، تفکرات خوارج و وهابیت است. خوارج ایمان را بر اساس عمل می‌سنجیدند و کسی را که مرتکب گناه کبیره می‌شد خارج از دین نامیده و او را می‌کشتند.

وهابیت نیز با استناد به نظریه تکفیر ابن تیمیه، سایر مسلمانان را که از نظر فکری با آن‌ها مخالف بود، تکفیر نموده و بعد از خوارج برای اولین بار نظریه تکفیر را عملاً اجرا و اقدام به قتل مخالفان فکری خود نمودند.

مدل مفهومی پژوهش

بر اساس مطالعات انجام‌شده و مصاحبه‌های به‌عمل‌آمده، یکی از الگوهایی که می‌تواند به مطالعات در این زمینه کمک نماید، مدل مفهومی زیر می‌باشد. در این مدل نوع تأثیر هر کدام از افراد یا جریان‌هایی که در زمان خود در پیدایش تفکر تکفیر نقش داشته‌اند به همراه خروجی این تأثیر نمایش داده شده است:



شکل (۱) روند تشکیل تفکر تکفیر و تبدیل آن به سلاح کشنده علیه مسلمانان

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- ۱) خوارج اولین گروهی بودند که مسلمانان را تکفیر کردند و تکفیر آن‌ها نیز از نوع تکفیر فکری بود.
- ۲) احمد ابن حنبل با ایجاد و ترویج طرز فکر قشری‌گرایی و ظاهر‌گرایی و برداشت‌های ظاهری و بدون تعقل از آیات قرآن و روایات زمینه را برای شرک دانستن اعمال مسلمانان و در نتیجه تکفیر آنان فراهم نمود.
- ۳) ابن تیمیه نظریه تکفیر را صراحتاً مطرح کرد و به دلیل این که عنوان شرک را بسیار توسعه داده بود بسیاری از مسلمانان از جمله شیعیان را مشرک تلقی نمود و آن‌ها را تکفیر نمود.
- ۴) محمد ابن عبدالوهاب نظریه تکفیر را اجرایی کرد و به حوزه‌های سیاسی نیز بسط و گسترش داد. این نوع از تکفیر جوازی برای اعمال خشونت‌آمیز علیه آنان بود.
- ۵) مبنای تفکرات تکفیری از لحاظ نظری و فکری، نظریه تکفیر ابن تیمیه است که برای اولین بار آن را مطرح نمود.

- ۶) مبنای تفکر تکفیر از لحاظ نوع برداشت از متون دینی و روایات، تفکرات ظاهرگرایانه احمدابن حنبل می‌باشد که پیروانش نیز این روش او را ادامه دادند.
- ۷) مبنای تفکر تکفیر از لحاظ عملی و نحوه برخورد، تفکرات خوارج و وهابیت است چون هر دو گروه عملاً این تفکر را اجرا نمودند.
- ۸) تکفیر مسلمانان توسط گروه‌های تکفیری از نوع تکفیر عام (مطلق) بوده و این نوع از تکفیر ریشه در تفکرات وهابیت دارد.
- ۹) تکفیر مسلمانان توسط ابن تیمیه بیشتر از نوع تکفیر معین و ضابطه‌مند بوده و شامل عامه گروه‌های مسلمان نمی‌شد.
- ۱۰) تکفیر حاکمان و مسئولین کشورها توسط گروه‌های تکفیری از نوع تکفیر سیاسی بوده و این نوع تکفیر ریشه در تفکرات وهابیت دارد.
- ۱۱) تکفیر مردم یک منطقه (به دلایل پشتیبانی از حکومت یا ...) و اقدام علیه آنان از نوع تکفیر سیاسی بوده و ریشه در تفکرات وهابیت دارد.
- ۱۲) تکفیر عالمان و اندیشمندان دینی که با گروه‌های تکفیری هم‌عقیده نیستند و اقدام علیه آنان از نوع تکفیر فکری است که ریشه در تفکرات تکفیری خوارج دارد.
- ۱۳) در کنار همه عوامل، برداشت ظاهری از قرآن و حدیث و جهالت گروه‌های تکفیری، دو عامل مهم در بروز تفکرات تکفیری هستند.

راه‌های مقابله با تفکرات تکفیری گروه‌های تکفیری

برای مقابله با این تفکر در مجموع سه راه کار باید مد نظر قرار گیرد:

- ۱) انجام اقدامات نرم که به شکل آگاه‌سازی وسیع فرهنگی و مذهبی باید با ابزار رسانه انجام شود. در این نوع مقابله باید تعصبات قومی و مذهبی را نادیده گرفته و بر اشتراکات تأکید گردد و این روش برای کسانی که هنوز آلوده نشده‌اند بسیار مؤثر خواهد بود (این آگاه‌سازی و روشنگری بهتر است توسط علمای اهل سنت انجام شود چون آگاه‌سازی توسط شیعیان به دلیل جبهه‌گیری آنان اثری نخواهد داشت یا اثر آن خیلی کم خواهد بود). همچنین به جهان اسلام باید در مورد خطر آن‌ها هشدار داده شود و با گروه‌های معتدل آن‌ها گفتگو و روابط علمی برقرار نموده، دیدگاه آن‌ها را از طریق علمی اصلاح کنیم و نقش استعمار در دامن زدن به تکفیر را نیز به آن‌ها گوشزد نماییم.

۲) مقابله و محدود کردن دسترسی گروه‌های تکفیری تروریستی به امکانات رسانه‌ای جهت جلوگیری از عضوگیری و تبلیغات آن‌ها (این روش نیاز به هماهنگی بین کشورهای مختلف دارد).

۳) مقابله از طریق اقدام سخت و حذف فیزیکی آن‌ها؛ چون تعداد زیادی از این گروه‌ها عملاً در حال قتل و تجاوز و جنگ علیه مسلمانان هستند برای برخورد با آن‌ها جز توسل به خشونت و حذف آن‌ها راه دیگری وجود ندارد و تنها با این روش می‌توان با آن‌ها مقابله نمود (این راهکار به‌عنوان آخرین راه‌کار مطرح گردیده است).

در مجموع می‌توان گفت مناسب‌ترین راهکار، راهکار نرم و فرهنگی است چون تفکر تکفیر، تفکری است که تا حدود زیادی گسترش پیدا کرده و این تفکر با کشتن تعدادی از این افراد (تکفیری‌ها) از بین نخواهد رفت. لذا بهتر است تأکید و تمرکز روی روش‌های نرم باشد. البته با گروه‌هایی که در حال کشتن مسلمانان و غارت اموال آن‌ها هستند مسلماً باید مبارزه به روش سخت صورت بگیرد.

منابع

- ابن اثیر. (۱۴۲۰). *جامع‌الاصول فی احادیث‌الرسول*. بیروت: انتشارات دارالفکر.
- ابن تیمیه حرانی، احمد. (۱۹۸۵). *مجموع الفتاوی*، ج ۲۳، بیروت.
- احمدابن حنبل. (۱۶۰۶). *مسندالامام الطحاوی دارالفکر*، بیروت.
- بن‌حجاج نیشابوری، مسلم. و صحیح مسلم، کتاب‌الایمان. (۱۳۲۹). دارالطباعة العامره، استانبول.
- پاکتچی، احمد. و هوشنگی، حسین. (۱۳۹۰). *بنیادگرایی و سلفیه*، انتشارات: دانشگاه امام جعفر صادق (ع).
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۷). *تاریخ سیاسی اسلام، تاریخ خلفاء*، قم.
- حدادعادل، غلامعلی. (۱۳۷۵). *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- خسروی، احمدعلی. (۱۳۸۰). *وهابیت و ریشه‌های تاریخی وهابی‌گری*، قم: انتشارات تحسین.
- دکمجان، هرایر. (۱۳۸۷). *جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب*.
- الرحیلی، ابراهیم بن عامر. (۲۰۰۸). *التکفیر و ضوابطه*، کویت: انتشارات دار الامام احمد.
- رضوانی، علی‌اصغر. (۱۳۸۸). *شناخت سلفی‌ها*، قم، انتشارات: مسجد مقدس جمکران.
- رضوانی، علی‌اصغر. (۱۳۹۰). *وهابیان تکفیری*، تهران: انتشارات مشعر.
- رفیعی، محمدحسین. (۱۳۸۷). *سرچشمه اندیشه وهابیت*، ترجمه؛ میقات حج، شماره ۶۵.

- ساوه درودی، مصطفی. و تنهایی، علیرضا. (۱۳۹۲). گروه‌های تکفیری؛ ریشه‌ها، اهداف و مقاصد در اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، فصلنامه مدیریت راهبردی دفاعی^۵ امنیت پیرو هشکده مطالعات راهبردی و امنیت ملی دانشگاه دفاع ملی.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۷۶). آئین وهابیت، قم: انتشارات مشعر.
- سبحانی، علیرضا. (۱۳۹۴). فتنه تکفیر چالش قرن بیست و یکم، قم: انتشارات موسسه امام صادق.
- سعدی، علی. (۱۳۸۸). ریشه‌یابی رویکرد ظاهرگرایانه در فهم قرآن، معرفت، ش ۷۳.
- شهرستانی، محمدبن عبدالکریم. (۱۳۶۱). الملل و النحل، ترجمه: مصطفی‌بن خالقداد هاشمی، چاپ سوم، انتشارات اقبال.
- عدالت‌نژاد، سعید. و نظام‌الدینی، سیدحسین. (۱۳۹۰). سلفیان تکفیری یا الجهادیون: خاستگاه و اندیشه‌ها، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۱۳.
- عقیلی، علیرضا. (۱۳۸۹). ریشه‌های ظاهرگرایی در فهم قرآن، پژوهش‌های قرآنی، ش ۱۱ و ۱۲.
- علی‌بخشی، عبدالله. (۱۳۹۴). جریان‌شناسی گروه‌های سلفی، جهادی و تکفیری، تهران: انتشارات الهدی.
- علی‌زاده موسوی، سیدمهدی. (۱۳۸۰). افغانستان، ریشه‌یابی و بازخوانی تحولات معاصر، قم: انتشارات کیش مهر.
- علی‌زاده موسوی، سیدمهدی. (۱۳۹۱). بیداری اسلامی، ویراست سوم، تهران: انتشارات معاونت آموزش بعثه‌ی مقام معظم رهبری در سازمان حج و زیارت.
- علیزاده موسوی، سیدمهدی. و الهادی. (۱۳۸۹). سلفی‌گری و وهابیت، جلد یکم، انتشارات قم.
- علیزاده موسوی، مهدی. (۱۳۹۳). ایمان و کفر، جلد ۱، قم: انتشارات دارالإعلام لمدرسه‌ اهل‌البیت (علیهم‌السلام).
- فرمانیان، مهدی. (۱۳۸۲). مقاله دیوبندینه، مجله طلوع، شماره ۶.
- فقیهی، علی‌اصغر. (۱۳۶۶). وهابیان، تهران: انتشارات صبا، چاپ سوم.
- فیروزآبادی، حسن. (۱۳۹۳). تکفیری‌های داعش را بشناسیم، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- قرآن کریم.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار، ج ۱۱۰، بیروت.
- محمدی‌الموتی، محسن. (۱۳۹۲). امکان‌سنجی تحقق همگرایی جهان اسلام در مواجهه با تهدید جریان تکفیری، فصلنامه مدیریت راهبردی دفاعی^۵ امنیت پیرو هشکده مطالعات راهبردی و امنیت ملی دانشگاه دفاع ملی.

- محمودیان، محمد. (۱۳۹۰). *بنیادهای فکری القاعده*، تهران: انتشارات دانشگاه امام جعفر صادق (ع).
- مزینانی، مهدی. (۱۳۹۲). *نگاهی فرهنگی به افراط گرایی: رویکردها و راهکارها*، فصلنامه مدیریت راهبردی دفاعی ° *امنیتی پژوهشکده مطالعات راهبردی و امنیت ملی دانشگاه دفاع ملی*.
- واحدی‌زاده، احمدعلی. (۱۳۹۵). *بررسی مبانی فکری گروه‌های تکفیری و رهبران آنها*، فصلنامه پرتو خرد، شماره ۱۱.

- <http://alwahabiyah.com/fa/Article/View/1232>.
- <http://alwahabiyah.com/fa/Article/View/128822>.
- <http://alwahabiyah.com/fa/Article/View/2120>.
- <http://alwahabiyah.com/fa/Question/View/135869>.
- <http://iqna.ir/fa/news>.
- <http://press.jamejamonline.ir/newspreview/1176571693962961547>.
- <http://rasekhoon.net/article/show/1195053>.
- http://taghribstudies.net/index.php?option=com_content&view=article&id.
- <http://takfir.ir/modules/smartsection/item.php?itemid>.
- <http://takfir.ir/modules/smartsection/item.php?itemid=1348>.
- <http://www.hosseiniqazvini.com/fa/shownews.php?idnews=5832>.
- <http://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews>.
- <https://cgie.org.ir/fa/news/130203>.
- <https://hawzah.net/fa/magazine/view>.
- <https://taghribstudies.net/index.php/2015-07-29-11-00-37/1518-1392-05-14-06-07-20>.